فهرست مطالب

[بررسی آیه اذن گرفتن در اوقات ثلاثه 2](#_Toc416605830)

[بحث سوم: اهل خانه مراد از «یا **أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»** 2](#_Toc416605831)

[بحث چهارم: بحثی در مصداقیت آیه شریفه برای بحث امر به امر 2](#_Toc416605832)

[مدلول التزامی آیه، امر به امر 3](#_Toc416605833)

[بحث پنجم: الزامی بودن یا ترجیحی بودن دو تکلیف فوق 3](#_Toc416605834)

[الزامی بودن تکلیف متوجه به مؤمنین 4](#_Toc416605835)

[تفصیل در تکلیف متوجه به أیمان و اطفال 4](#_Toc416605836)

[مبانی در نوع تکالیف غیر الزامی متوجه به اطفال 4](#_Toc416605837)

بسم الله الرحمن الرحيم

# بررسی آیه اذن گرفتن در اوقات ثلاثه

بحث در بررسی آیات دال بر وظایف تعلیمی و تربیتی خانواده می‌باشد. در جلسه قبل آیه شریفه «یا **أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُم مِّنَ الظَّهِيرَةِ وَمِن بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُم بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ**» ***نور/58*** مطرح شد و به جهاتی از بحث در ذیل این آیه پرداخته شد.

## بحث سوم: اهل خانه مراد از «یا **أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»**

نکته ظریفی که در این آیه وجود دارد این است که هرچند خطاب «یا **أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»** عام می‌باشد اما به قرائن و مناسبات حکم و موضوع مراد مؤمنین از حیث تعلق خانوادگی و ارتباط آن‌ها با خانواده‌شان یعنی پدر و مادر و ساکنان یک‌خانه می‌باشد.

## بحث چهارم: بحثی در مصداقیت آیه شریفه برای بحث امر به امر

سؤالی که در ذیل این آیه شریفه وجود دارد این است که آیا این آیه شریفه در مقام بیان تکلیف خانوادگی پدر و مادر است و یا در مقام بیان تکلیف فرزندان و اطفال و یا اینکه در مقام بیان هردوی این‌هاست؟ به‌عبارتی‌دیگر آیا این آیه شریفه مصداقی از بحث امر به امر می‌باشد یا اینکه مصداقی از آن بحث نیست؟ در علم اصول بحثی وجود دارد به‌عنوان امر به امر، به‌عنوان‌مثال در برخی آیات و روایات مانند **«وَ أْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلاَةِ»** طه/132 مخاطب امر شده است که خانواده خود را به نمازخواندن امر کند، در این موارد قطعاً وظیفه مخاطب امر، امر کردن می‌باشد و بحثی در آن وجود ندارد، اما سؤالی که در اینجا وجود دارد این است که آیا مأمور دوم یعنی شخصی که مخاطب به آن امر می‌کند، وظیفه و تکلیف الزامی متوجه او می‌شود یا خیر؟ و به عبارتی آیا امر دوم مفید وجوب می‌باشد یا خیر؟ به نظر ما حق این است امر به امر، ظهور در وجوب دارد یعنی هم بر مأمور اول و هم بر مأمور دوم واجب است که متعلق و مقتضای امر را اتیان کند مگر اینکه قرینه‌ای دال بر عدم وجوب امر نسبت به مأمور دوم وجود داشته باشد.

### مدلول التزامی آیه، امر به امر

اگر خطاب «یا **أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»** در آیه شریفه نبود امر **ِ «يَسْتَأْذِنكُمُ**» در آیه مستقیماً متوجه عبید، إماء و اطفال می‌شد و آیه مصداق امر به امر نبود و مدلول مطابقی آیه هم دلالت بر امر به امر نمی‌کرد اما ازآنجاکه این امر بعد از خطاب «یا **أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»** آمده است، حاصل سخنان مفسرین نه عین کلماتشان، این است که این ترکیب در آیه به لحاظ علم معانی و بیان مفید امر به امر است و درواقع مراد از این ترکیب این است که مروهم بالاستیذان و یا أدبوهم بالاستیذان یعنی آن‌ها را امر کنید که در این اوقات ثلاثه اذن بگیرند و لذا هرچند این آیه به دلالت مطابقی بر امر به امر دلالت ندارد اما مدلول الزامی آن به‌واسطه ترکیب آیه و تقارنی که در آیه وجود دارد یعنی ابتدا مؤمنین را خطاب قرار می‌دهد و سپس به أیمان و اطفال امر می‌کند که در اوقات ثلاثه اذن بگیرند، امر به امر می‌باشد و آیه مربوط به وظایف خانواده می‌شود و مسائل تعلیمی و تربیتی می‌باشد و پیام آیه با توجه به الغاء خصوصیتی که در مباحث قبل اشاره کردیم مخفی بودن و محفوظ بودن مسائل و روابط جنسی و زناشویی از اطفال و دیگران در خانه می‌باشد و این شیوه امر، لطیف‌تر و بلیغ‌تر از این است که مستقیماً و به دلالت مطابقی امر به امر در آیه می‌آمد. حاصل سخن اینکه در اینجا دو تکلیف وجود دارد یکی خطاب به پدر و مادر و زن و شوهر که وظیفه آن‌ها اعلام، ابلاغ و آموزش و تربیت فرزندان برای استیذان می‌باشد و وظیفه فرزندان و عبید و إماء حفظ آن حریم می‌باشد. سر اینکه دو تکلیف در آیه وجود و در آیه تکلیفی هم نسبت به والدین وجود دارد، دلالت اقتضایی و التزامی در آیه و همچنین صوناً عن اللغویه می‌باشد چون وجهی غیرازاین وجود ندارد که امر به أیمان و اطفال و فرزندان بعد از خطاب «یا **أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»** بیاید البته اینکه مقتضای هر دو امر ایجابی است یا خیر؟ جای بحث دارد ولی درهرصورت این آیه مصداقی از بحث اصولی امر به امر می‌باشد.

## بحث پنجم: الزامی بودن یا ترجیحی بودن دو تکلیف فوق

بحث پنجمی که در ذیل این آیه وجود دارد این است که بیان شد مدلول التزامی آیه شریفه امر به امر می‌باشد و دو تکلیف وجود دارد یکی تکلیف متوجه به مؤمنین که بیان شد و دیگری تکلیف متوجه أیمان و اطفال، حال سؤالی که وجود دارد این است که این دو تکلیف الزامی هستند یا ترجیحی؟ در پاسخ باید گفت اصل بر الزامی بودن هردوی این تکالیف می‌باشد اما نکاتی وجود دارد که باید بیان شود.

### الزامی بودن تکلیف متوجه به مؤمنین

 تکلیف اول یعنی تکلیف موجه به مؤمنین الزامی است چون ولو اینکه امر و خطاب مطابقی نسبت به آن‌ها وجود ندارد اما همان‌طور که بیان شد امر و خطاب به‌صورت التزامی نسبت به آن‌ها وجود دارد و آن‌ها مکلف هستند که در مقام تعلیم و تربیت اطفال خود را امر به اذن گرفتن کنند چون در غیر این صورت خطاب را متوجه شخصی کردن و دیگری را امر کردن لغو خواهد بود و همچنین وجوه پنج‌گانه‌ای که بر دلالت امر به وجوب در اصول ذکر شد هم شامل امر مطابقی می‌شود و هم شامل امر التزامی می‌شود و تفاوتی بین اینکه امر مطابقی باشد مانند امر **«أَقِمِ الصَّلاَةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ»** ***الإسراء / 78*** و یا اینکه امر التزامی باشد مانند محل بحث، وجود ندارد و آنچه مهم است، اراده شدیده مولا است که هم در امر مطابقی و هم در امر التزامی وجود دارد.

### تفصیل در تکلیف متوجه به أیمان و اطفال

اما نسبت به تکلیف دوم که تکلیف متوجه به عبید و إماء و اطفال غیر بالغ می‌باشد، امر و تکلیف متوجه به این اشخاص امر صریح و مطابقی است و اصل در امر، بر الزامی بودن آن است اما نکته و مطلبی که در اینجا وجود دارد این است که مکلف در این تکلیف، هم عبید و إماء است که اطلاق دارد و شامل عبید و إماء بالغ و غیر بالغ می‌شود و هم مکلف در این تکلیف اطفال غیر بالغ می‌باشد. در مورد عبید و إماء بالغ تکلیف الزامی و وجوبی است اما نسبت به عبید و إماء غیر بالغ و همچنین اطفال غیر بالغ، قرینه عام حاکم بر ظهور امر در وجوب وجود دارد که تکلیف را از صبی تا زمانی که محتلم شود رفع کرده است و آن قرینه حدیث رفع قلم از صبی می‌باشد پس خطاب و تکلیف دوم در حق غیر بالغ الزامی نیست و باید گفت امر و تکلیف دوم امر و خطابی جامع بین وجوب و ندب می‌باشد که در حق بالغین الزامی و وجوبی است و در حق غیر بالغین غیر الزامی است و این استعمال همان‌طور که در اصول گفته شد با قرینه امکان دارد و استعمال لفظ در اکثر از یک معنا نیست

### مبانی در نوع تکالیف غیر الزامی متوجه به اطفال

همان‌طور که بیان شد تکلیف دوم به معنای عام می‌باشد و در عبید و إمای بالغ الزامی است اما این تکلیف در مورد عبید غیر بالغ و همچنین اطفال غیر بالغ غیر الزامی است اما سؤالی که در اینجا وجود دارد این است که این تکلیف غیر الزامی در حق غیر بالغین چه نوع تکلیفی است؟ در پاسخ به این سؤال دو مبنا وجود دارد، برخی به‌طورکلی قائل‌اند که صبی غیر بالغ به‌طورکلی تکلیفی ندارد نه الزامی و نه استحبابی بلکه این تکالیف صرفاً به‌منظور تمرین آن‌ها است و هیچ ثوابی هم ندارد اما نظریه دومی اینجا وجود دارد که حدیث رفع قلم تنها الزام را در حق آن‌ها رفع شده است و نمی‌توان آن‌ها را عقاب کرد اما تکالیف در حق صبی ممیز استحباب و ثواب دارد و هیچ‌گونه مانعی هم ندارد حتی بعید نیست که بگوییم استحبابی بودن و ثواب داشتن حتی در حق مجنون هم مانعی ندارد. طبق این نظریه عبادات صبی ممیز مشروعیت دارد و دارای ثواب می‌باشد و تمرینی صرف نیست. به نظر ما بعید نیست که بگوییم مبنای دوم در ست است.